



### علت:

علت چیزی است که وجود معلول موقف بر آن است و تا آن نباشد، معلول هم پدید نمی آید یعنی در وجود خود بدان نیازمند است.

### معلول:

معلول نیز چیزی است که وجودش را از چیز دیگر که همان علت است میگیرد یعنی در وجود خود نیازمند دیگری است.

### علیت:

رابطه‌ی وجودی است که در آن یک طرف (علت) به طرف دیگر (معلول) وجود می‌دهد و تا علت نباشد معلول موجود نخواهد شد.

کلمه «چرا» بازتابی از رابطه‌ی علیت است. «چرا» یعنی به «چه علت» یا «علت این حادثه چیست»؟

## چگونگی درک رابطه علیت نزد فیلسوفات اروپایی:

1- بدون دخالت تجربه

الف) نظریه دکارت:

2- جز مفاهیم اولیه

3- بدیهی و نظری

ب) تجربه گرایان (امپریست‌ها):

1- انسان از طریق حس به توالی پدیده‌ها پی‌می‌برد.

2- مثال روشنایی زمین و نور خورشید (رجوع به صفحه 28 کتاب)

ج) دیوید هیوم:

1- تجربه گراست و امکان معرفت از طریق استدلال عقلی و بدون تجربه را رد می‌کند.

2- درک علیت از طریق تجربه و حس را ناممکن میداند چون معتقد است علیت

مفهومی فراتر از حس است.

3- حس فقط می‌تواند اجسام و رنگ‌ها و شکل‌ها و اموری از این قبیل را به

نشان دهد.

4- بر اثر تکرار مشاهده خورشید و روشن شدن زمین، در ذهن ما چنین تداعی می‌شود

که خورشید علت روشن شدن زمین است و این یک امر روانی ناشی از تداعی پدیده

هاست. از این طریق ما عادت کرده‌ایم چیزی را علت چیز دیگر ندانیم.

1- مفهوم علیت (رابطه‌ی علیت) و رابطه‌ی علت و معلول جز مفاهیم پایه‌ای ذهن

است و خودش در ذهن بوده و از جایی کسب نشده.

2- ساختار ذهن بشر به گونه‌ای است که برخی مفاهیم از جمله علت و معلول را نزد

خود دارد.

3- دیدن اشیا به صورت علت و معلول، امری ذهنی (سوبرژکتیو) است نه عینی (ابزکتیو)

## دیدگاه فلاسفه‌ی مسلمان در باب علیت:

- 1- اصل علت یک قاعده‌ی عقلی است.
  - 2- از تجربه به دست نمی‌آید.
  - 3- اصل امتناع اجتماع نقیضین بیان می‌کند که پدیده‌ها فود به فود به وجود نمی‌آیند.
- فلاسفه‌ی مسلمان می‌گویند:

**مثال:**

چیزی خودش به خودش وجود می‌دهد  $\xleftarrow{\text{نقیض}}$  چیزی خودش به خودش وجود نمی‌دهد  
 ↓  
 یعنی چیزی که نسبت سازنده خودش باشد

**نکته:** هر ممکنی دارای علت است (بدون مرجع ایجاد نمی‌شود)

- 1- درک علیت از طریق تجربه امکان پذیر نیست.
  - 2- دنبال هم آمدن دو حادثه به معنای علیت نیست
- ابن سینا: